

به نام خدا



دانشگاه علامه طباطبایی تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

"مفهوم سازی منابع ملی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت"

نگارش:

رسول نیکنام

استاد راهنما: دکتر حشمت الله فلاحی پیشه

استاد مشاور: دکتر ابراهیم برزگر

تیر ماه ۱۳۹۲

## پیشگفتار

نقش جهان بینی در تأمین سعادت بشری چگونه می باشد. این سؤالی است اساسی که در پس سؤالات و فرضیات ما پنهان شده است. مکتب از یک سو سعادت را تعریف می کند و از سوی دیگر توانایی این را دارد که راههای رسیدن به سعادت را نشان دهد. در واقع با توجه به اهدافی که در هر مکتب در نظر گرفته می شود، باید ابزارهایی هم برای رسیدن به آن پیشنهاد داده شده باشد. در صورت انجام این کار عملاً جهان بینی از دریچه فرهنگ مدل زندگی را نشان داده و طرح می کند. و همه اینها اهمیت نگرشی که یک مکتب از انسان و طبیعت دارد را نشان می دهد. که قطعاً نگاه به منابع در دسترس و نحوه بهره جویی از آنها هم در گرو همین نگرش و مکتب است.

اگر می بینیم پس از رنسانس، انسان قرنهای در بند مانده و محصور کلیسای غربی، بعضاً به ناگاه و عمدتاً به تدریج تمام تار و پود کلیسایی را از دور و بر خود کنار می زند و خودش را و تمام آمال و آرزوهایش را در مرکز مکتب جدیدی تصور می کند و به تبع آن اقتصادش را بنا می نهد، ما هم به عنوان انسانی که نگرش الهی را پذیرفته و از زاویه مکتب اسلام که در گذر زمان، فرهنگ ایرانی هم بر آن نقش بسته می خواهیم و می توانیم چیدمان زندگی مان را خودمان "بر سازیم". باز شناسیم. شناختی مبتنی بر اصول و قواعد بومی مان که قطعاً روشهای علمی فراگیر و حتی برخی وجوه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی وارداتی هم در آن دیده خواهد شد. اما مبنا و ساختار باید مبتنی بر حقیقتی باشد که به آن ایمان داریم و در آن زندگی می کنیم. و قطع به یقین همه اینها به این بستگی دارد که ما از چه دریچه ای به حیات می نگریم. آیا برای ما هم انسان و خواسته ها و آرزوهایش (صرفاً مادی) برایمان اهمیت دارد. که اگر این چنین است شک نکنیم دست کم هم اکنون با وجود تمام انتقادات وارد شده بر نظام سرمایه داری، همان بهترین است!

همان است که به قیمت استثمار بخش زیادی از انسانها توان ثروتمند کردن برخی دیگر را دارد. و می توان امیدوار بود که شاید جزء دسته دوم قرار گیریم. همان است که می تواند به قیمت اتلاف منابع، اشتغال ایجاد کند و با دستگاه عظیم و طویل رسانه ای و فرهنگی اش این احساس را برایمان به وجود آورد که خوشبختیم و احساس خوشبختی می کنیم. چون خوب مصرف می کنیم. و همه اینها به این برمی گردد که ما به تصور خود، در مرکز جهان هستیم.

اما اگر ما به واقع ایمان به حقیقتی فراتر از آنچه انسان غربی مغرور پس از قرون وسطی به آن دست یافته داریم، و به این آگاهی رسیده ایم که بسیاری از آگاهی های امروزه فقط

روایت‌هایی دلخواه از آگاهی حقیقی است، جهان و حیات را نه فقط به عنوان منبعی که باید در جهت لذات ما مصرف شود می بینیم و... در آن صورت اهداف ما، آمال ما، سعادت ما، روش زندگی ما، سیاست ما، اقتصاد ما، نگاه ما به حیات و برنامه و الگوهای طراحی شده برای دستیابی به این خواسته ها قطعاً بطور تمام و کمال، عین آن دیگری نخواهد بود.

در خصوص اینکه چه زمان علم اقتصاد اسلامی پدید می آید؟ شهید صدر در کتاب اقتصادنا اشاره می کند که هر گاه جامعه ای اسلامی تشکیل شد و مکتب اسلام بر آن حاکم بود، به دنبال فعالیت‌های اقتصادی اعضاء آن جامعه از طریق تجربه و آزمون فرضیه ها در یک جامعه اسلامی می توان انتظار داشت که علم اقتصاد مورد نظر اسلام پدید آید. در واقع ما وقتی از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت سخن می گوئیم، مفروض این است که داریم از جامعه ای اسلامی حرف می زنیم. اما شرط دیگر این است که در سعی و خطاها و کسب تجارب نیز از آموزه های این دین و فرهنگ مشترک میان اسلام و ایران بهره جست. تا بتوان در نهایت (دست کم در برخی زمینه ها) به مدل ها، روش ها دستورالعمل هایی دست یافت که از این فرهنگ ریشه گرفته باشد. و مطمئن باشیم صرف اجرای دستورالعمل های علوم اقتصادی پا گرفته شده (بر اساس تجارب و سعی و خطاها) از جوامع غیر اسلامی در جامعه اسلامی، ما را به سوی اهداف مبتنی بر مکتب مان رهنمود نخواهد ساخت. و نمی گوئیم موفق نمی شویم بلکه اصولاً با توجه به تفاوت در جهان بینی ها، ملاک موفقیت هم فرق دارد.

گاهی برد و باخت جای خود را با هم عوض می کنند. شاید در نهایت هم این دستورالعملها در بهترین حالت ما را به یک جامعه توسعه یافته بدل سازند. اما اگر در این مسیر ما از حقیقتی که به آن ایمان داریم دور شویم چه باید گفت!؟

از طرفی شاید گفته شود چون اقتصاد یک علم است و روشهای علمی هم یکسان، پس ما نمی توانیم از الگوی اقتصادی اسلامی که در پی تعریف خود در مقابل اقتصاد رایج است حرف بزنیم. که باید اشاره داشت درست است که روشهای علمی ممکن است در بیشتر جاهها یکسان باشند اما هیچ تحقیقی بدون ارزش نبوده و از طرفی مکتب و نگاه اولیه است که فضای تحقیق و تجربه را شکل می دهد. و در دو فضای متفاوت، روشهای یکسان می توانند به نتایج متفاوت بیانجامند.

در خصوص مشکلات و تنگناهای این پژوهش هم باید اضافه کرد از مشکلات اولیه این تحقیق که به نوعی می توان آن را زیرمجموعه نظریات "توسعه بومی" به حساب آورد کمبود منابع ساخته و پرداخته شده در خصوص این نظریات به طور عام، و در خصوص دو مفهوم اصلی تحقیق یعنی "الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" و "منابع" به طور خاص می باشد. چرا که هر دو مفهوم به نوعی در ابتدای مسیر خود بوده و همچنان در حال تکوین می باشند. مضاف بر اینکه در زمینه مباحث اقتصاد سیاسی که این گونه به طور بنیادی با نگرش

نسبت به حیات برخورد کرده باشد، به صورت علمی و دانشگاهی در داخل کشور و به صورت مدون خیلی کار نشده است. یا دست کم حجم این کارها در مقایسه با دیگر مباحث سیاسی مثل اندیشه سیاسی، جامعه شناسی سیاسی و ... کمتر بوده است. البته به نوعی این موارد اهمیت کار بر روی موضوعات از این دست را نشان می دهد.

در این جا، بایسته است از اساتید بزرگوار آقایان دکتر ابراهیم برزگر، دکتر حشمت الله فلاح پیشه و دکتر فائز دین پرست که با مشاوره، راهنمایی و نقدهای سازنده خود، ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند تشکر نماییم. از اعضاء کارگروه توسعه و منابع ملی مؤسسه اندیشه و پژوهش طرح هزاره پاسارگاد بخصوص سرپرست کارگروه، آقای عبدالرسول دیوسالار به پاس همفکری و همکاری بی دریغ خود صمیمانه سپاسگذاری می کنیم.

امید است با تلاش پژوهشگران و اندیشمندان و حمایت نخبگان سیاسی و همچنین رهنمودهای مقامات عالی نظام سیاسی کشور بتوان استوار تر در این راه قدم برداشت و به یاری حق با بازنگری در مبانی اعتقادی و اندیشه ای خود و داشتن روحیه ای انتقادی در برخورد با نظریات کنونی، ضمن حفظ محاسن و نکات مثبت آنها، نسبت به افزایش سطح معنویت، اعتلای فکری و ارتقای اقتصادی جامعه ای که در آن زندگی می کنیم تلاش کنیم. و بتوانیم نخست معرفتی حقیقی در خصوص سعادت راستین کسب کرده و سپس به الگویی مقتضی برای دستیابی به مطلوبیتهایمان دست یابیم. انشاءالله.

رسول نیکنام

دانشگاه علامه طباطبایی - تهران

تابستان ۱۳۹۲

## چکیده تحقیق

در این تحقیق ما به دنبال جانمایی منابع ملی در نظریه و چهارچوب کلان توسعه ملی که همان الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت است می باشیم. همچنین می خواهیم به فهمی دقیقتر از مفهوم منابع و شیوه های تأثیر گذاری آن بر فرآیند پیشرفت پردازیم. به این منظور نخست به توضیح مفهوم منابع ملی و ذکر انواع آن اقدام می کنیم. در ادامه به منظور نشان دادن اینکه پیشرفت ماهیتی هنجاری دارد نخست به تاریخچه مختصری از تمدن و اندیشه غرب از دوران نوزایی به این سو، و روند شکل گیری نگرش و اندیشه سرمایه داری و انسان محوری اشاره می کنیم و سپس با کمک گرفتن از نظریات انتقادی و دیدگاه آنها در خصوص نظام سرمایه داری و اثرات این دیدگاه بر مقوله منابع به نقد تجویز فرهنگ فراگیر و بالتبع الگوی توسعه فراگیر می پردازیم و تأکید کرده که در هر مکان و زمان باید نظریه و یا الگوی توسعه بومی که به لحاظ فرهنگی و اعتقادی، اقتضائات زمانی و مکانی را در نظر گرفته باشد، مورد استفاده قرار گیرد و نقشه راه پیشرفت، مبتنی بر آن باشد.

برای تکمیل این دیدگاه در ادامه، در خصوص رابطه دین با فرهنگ صحبت کرده و به مطلوبیت آفرین بودن دین - همچون فرهنگ اشاره می کنیم. و به این نتیجه می رسیم که اگر در پی دست یابی به الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی هستیم باید موتور محرکه مطلوبیت ساز الگویمان همین فرهنگ متشکل از زیرساختهای دینی و ایرانی باشد.

در پایان با کمک مفاهیم به دست آمده و دستگاه تحلیلی ایجاد شده به نقد و بررسی برخی مواد و بندهای برنامه های چهارم و پنجم توسعه با نگاه منبع محور، می پردازیم. نتیجه نهایی که از این پژوهش می گیریم این است که مکتب چقدر در تأمین سعادت بشری مثر ثمر می باشد. زیرا با توجه به اهدافی که در هر مکتب در نظر گرفته می شود، ابزارهای خاصی برای رسیدن به آن پیشنهاد و به کار بسته شده و فرهنگ سازی صورت می پذیرد. و نتیجه قطعی این است که مدل زندگی بسته به نوع جهان بینی متفاوت می شود. نگاه به منابع در دسترس و نحوه بهره جویی از آنها هم در گرو همین نگرش و مکتب است. و ما هم به عنوان انسانی که نگرش الهی را پذیرفته و از زاویه مکتب اسلام که در گذر زمان فرهنگ ایرانی هم بر آن نقش بسته می خواهیم چیزها را بر سازیم، اقتصاد ما قطعاً بطور تمام و کمال، عین الگوهای توسعه تجویزی از سوی نظام سرمایه داری نخواهد بود. و از طریق تجربه و آزمون فرضیه ها در یک جامعه اسلامی می توان انتظار داشت که علم اقتصاد مورد نظر بومی پدید آید. یعنی برای دست یابی به الگوی بومی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید بر

فرهنگ خود متکی باشیم. فرهنگی مبتنی بر آموزه های اسلامی و وجوه فرهنگی و اخلاقی ایرانی. در آن صورت قطعاً بهتر خواهیم توانست در مورد نوع سعادت‌مان و تأمین آن توسط این الگو اطمینان داشته باشیم.

## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۲.....	پیشگفتار.....
۵.....	چکیده تحقیق.....
۷.....	فهرست مطالب.....
۹.....	متن پژوهش.....
۱۰.....	فصل اول: کلیات تحقیق.....
۱۱.....	الف) مقدمه.....
۱۲.....	ب) تعریف موضوع و بیان مسأله.....
۱۳.....	پ) اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۱۳.....	ت) فرضیه یا فرضیه های تحقیق.....
۱۴.....	ث) پیشینه تحقیق.....
۱۶.....	ج) تعریف عملیاتی متغیرها.....
۱۶.....	چ) طرح تحقیق.....
۱۷.....	ح) نحوه استخراج داده ها.....
۱۸.....	فصل دوم: مبانی نظری تحقیق.....
۱۹.....	بخش اول: منابع ملی.....
۳۷.....	بخش دوم: فرهنگ و منابع.....
۳۷.....	۱- فرهنگ چیست؟.....
۳۸.....	۲- نگاه انسان غربی به پیشرفت با توجه به فرهنگ او و تأثیر این نگرش بر مقوله منابع.....
۴۳.....	۳- مطلوبیت آفرین بودن فرهنگ (کاربرد فرهنگ در پژوهش حاضر).....
۴۶.....	۱-۳) انتقادات وارد شده بر این نوع نگرش.....
۵۷.....	۲-۳) مفهوم سازی.....
۶۳.....	۴- ارتباط فرهنگ با دین و آموزه های دینی.....
۶۸.....	۵- نگاه دین اسلام به پیشرفت با تمرکز بر مقوله منابع.....
۸۵.....	۱-۵) مفهوم سازی.....
۹۷.....	فصل سوم: بررسی برنامه چهارم و پنجم توسعه با توجه به مفاهیم به دست آمده.....

۱۱۱	نتیجه گیری
۱۱۳	پی نوشتها
۱۱۵	فهرست منابع و مآخذ



# متن پژوهش

## فصل اول: کلیات تحقیق

## الف) مقدمه:

در این تحقیق، نخست به توضیح مفهوم منابع ملی پرداخته و انواع آن را بر می شماریم. در همین راستا سعی می شود علاوه بر مصادیقی که جزء منبع به حساب می آیند، همچنین مفاهیمی که در دین، آیین، فرهنگ و تاریخ ما وجود داشته و چه به صورت بالقوه و چه به صورت بالفعل ظرفیت منبع بودگی را دارند شناسایی شده و سعی شود که در مدل ها و الگوهای پیشرفت آنها را هم در نظر آورد.

در ادامه به دنبال اینکه نشان دهیم پیشرفت ماهیتی هنجاری دارد، تأیید و مشخص می کنیم که غرب و انسان مدرن غرب، برآمده از فرهنگ خاص خود است و هنجارها، الگوهای رفتاری و مدل‌های پیشرفت خاص خود را داشته است. و این شکل از توسعه (و استعمارگری) غرب مرهون نگرش انسان محور و ماده محور (اومانستی-ماتریالیستی) آن بوده است. به همین منظور ضمن بیان تاریخچه مختصری از تمدن و اندیشه غرب از دوران نوزایی به این سو، به روند شکل گیری این نگرش و اندیشه سرمایه داری و انسان محوری اشاره می کنیم.

با رسیدن به این مهم که فرهنگ نقش مطلوبیت آفرین بودن دارد به نقد تجویز فرهنگ فراگیر و بالتبع الگوی توسعه فراگیر می پردازیم. و اذعان داشته که با در نظر گرفتن هنجارهای عام و قوانین علمی عمومی، اما می توان برای هر فرهنگ هنجار و الگوی پیشرفت خاص خود را در نظر داشت و به کار بست.

و به همین دلیل ادعای فراگیر بودن الگو و مدل توسعه غربی را نقد کرده و تأکید کرده که در هر مکان و زمان باید نظریه و یا الگوی توسعه بومی که به لحاظ فرهنگی و اعتقادی، اقتضات زمانی و مکانی را در نظر گرفته باشد، مورد استفاده قرار گیرد و نقشه راه پیشرفت، مبتنی بر آن باشد.

به این منظور از نظریات انتقادی و دیدگاه آنها در خصوص نظام سرمایه داری و اثرات این دیدگاه بر مقوله منابع استفاده می کنیم. و در این راه به ساخت و گردآوری مفاهیم برای جایگذاری در دستگاه تحلیلی خود می پردازیم.

در ادامه و در همین راستا، در خصوص رابطه دین با فرهنگ صحبت می کنیم. به همین منظور، نخست نشان خواهیم داد که دین با فرهنگ در ارتباط است. و نوع این رابطه را هم بیان می کنیم. سپس با توجه به مطلوبیت آفرین بودن فرهنگ و با توجه به اینکه دین با فرهنگ در ارتباط بوده، دین را هم دارای همان کارکرد فرض می کنیم. مضاف بر اینکه در جامعه دینی، دین مهمترین عامل معنابخش و جهت دهنده به حساب می آید. که به بیان شواهدی در این باره می پردازیم. در نهایت به این نتیجه می رسیم که اگر در پی دستیابی

به الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی هستیم باید موتور محرکه مطلوبیت ساز الگویمان همین فرهنگ متشکل از زیرساختهای دینی و ایرانی باشد.

در پایان به کمک مفاهیمی که طی تحقیق به آنها دست می یابیم، یک دستگاه تحلیلی ایجاد کرده و با توجه به این مفاهیم که مفروض ما در قسمت پایانی به حساب می آیند به نقد و بررسی برخی مواد و بندهای برنامه های چهارم و پنجم توسعه با نگاه منبع محور، می پردازیم. در همین راستا برخی از این مواد و بندها و اهداف و عملکردهای برشمرده برای آنها مورد انتقاد، و برخی دیگر مورد تأیید واقع می شوند. در پاره ای موارد هم نکات جدیدی برای تکمیل برخی از این مواد و بندها ارائه می گردد.

نتیجه نهایی که از این پژوهش می گیریم این است که مدل زندگی بسته به نوع جهان بینی متفاوت می شود. نگاه به منابع در دسترس و نحوه بهره جویی از آنها هم در گرو همین نگرش و مکتب است. و ما هم به عنوان انسانی که نگرش الهی را پذیرفته و از زاویه مکتب اسلام که در گذر زمان فرهنگ ایرانی هم بر آن نقش بسته می خواهیم چیزها را بر سازیم، اقتصاد ما قطعاً بطور تمام و کمال، عین الگوهای توسعه تجویزی از سوی نظام سرمایه داری نمی باشد. و از طریق تجربه و آزمون فرضیه ها در یک جامعه اسلامی می توان انتظار داشت که علم اقتصاد مورد نظر اسلام پدید آید. یعنی برای دست یابی به الگوی بومی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید بر فرهنگ خود متکی باشیم.

### ب) تعریف موضوع و بیان مسأله:

مسأله ای که ما با آن روبرو هستیم این است که با وجود نظریات متعدد توسعه، هنوز روش، نظریه و الگوی کارآمدی که قابلیت کارکرد بومی داشته باشد کاملاً شکل نگرفته است. و هر چند در قالب الگوهای توسعه بومی، صحبت از الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می شود، اما همچنان تعریف کامل و اجماعی از آن وجود ندارد و مختصات و زوایای آن کاملاً مشخص نشده است. در همین راستا و به منظور برجسته سازی این الگو و الگوهای از این دست، قطعاً نیاز است به مؤلفه منابع ملی به عنوان یکی از وجوه و مختصات اصلی این الگوها، توجه جدی شود. این در حالی است که در خصوص منابع ملی، چه در قالب نظریات کلاسیک توسعه و چه در قالب الگویی بومی همچون الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، هنوز نه تعریف کاملاً مشخصی وجود دارد و نه جایگاه آن در این نظریات به وضوح روشن است. به همین منظور در این تحقیق به دنبال آن هستیم با رویکردی منبع محور، به بررسی این وضعیت پردازیم.

### پ) اهمیت و ضرورت تحقیق:

در خصوص اهمیت و ضرورت تحقیق، سؤالات مطرح شده و اهدافی که در این تحقیق دنبال می شود باید اشاره کرد، سؤال اصلی که در این تحقیق با آن مواجه می باشیم این است که "با توجه به مفاهیم فرهنگی موجود در فرهنگ ایرانی و آموزه های دین اسلام همانند عدالت، عدم اسراف، عدم اتلاف و موارد دیگر که در تحقیق به آن اشاره می شود، جایگاه منابع ملی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چگونه باید باشد؟"

که برای رسیدن به پاسخ این سؤال لازم است نخست سؤالات ذیل مورد توجه واقع شوند:

- منابع ملی چیست؟
- فرهنگ چه نقشی در نحوه نگاه الگوهای توسعه به منابع دارد؟ (اشاره به نقش مطلوبیت آفرین فرهنگ)
- با در نظر گرفتن برخی شاخص های فرهنگی (آموزه های دینی و همچنین فرهنگ ایرانی) چه مطلوبیت هایی می توان برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نظر گرفت؟
- با توجه به شاخص های فرهنگی برشمرده و مطلوبیتهای به دست آمده، رویکردهای صورت گرفته در برنامه های توسعه نسبت به منابع ملی چگونه بوده است و چه انتقاداتی می توان بر این برنامه ها وارد ساخت؟ (بررسی برنامه های چهارم و پنجم توسعه)

اهدافی هم که از انجام و ارائه این تحقیق دنبال می شوند عبارت است از:

- جانمایی و معماری جایگاه منابع ملی در نظریه و چهارچوب کلان توسعه ملی که همان الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت می باشد.
- ارائه فهمی دقیقتر از مفهوم منابع و شیوه های تأثیر گذاری آن بر توسعه
- آسیب شناسی مسیر توسعه ایران با نگاهی تاریخی و با در نظر گرفتن و بررسی برنامه های چهارم و پنجم توسعه، با در نظر گرفتن وضعیت منابع ملی در این برنامه ها.

### ت) فرضیه یا فرضیه های تحقیق:

فرضیه اصلی در این تحقیق که در پاسخ به چگونگی جایگاه منابع ملی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، با توجه به مفاهیم فرهنگی موجود در فرهنگ ایرانی و آموزه های دین اسلام می باشد، این گونه بیان می شود که: با توجه به اینکه فرهنگ بر الگوهای توسعه و بالتبع نحوه نگرش به منابع ملی تأثیر گذار است، بنابراین آموزه ها و مفاهیمی که

هم در فرهنگ ایرانی و هم در آموزه های دین اسلام به آنها توصیه شده است (از قبیل صرفه جویی و عدالت) را در رویکردهای برنامه های توسعه نسبت به مقوله های منابع ملی (از قبیل منابع طبیعی، منابع آبی، منابع زیرزمینی و فسیلی، منابع انسانی) به کار ببریم. تا به این طریق بتوانیم به جایگاه مناسبی برای منابع ملی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دست یابیم.

در خصوص سوالات فرعی اشاره شده هم فرضیات ذیل مطرح می گردند:

- در پاسخ به چیستی منابع ملی: منابع ملی مجموعه امکانات بالقوه و بالفعل مادی و غیر مادی در دسترس یک دولت - ملت به حساب می آید که با پردازش آنها در نظام های تولیدی، خدماتی و فکری در سطح ملی ارزش آفرین می باشند و با مدیریت و بهره برداری موجبات ارتقاء سطح توسعه ملی را فراهم می آورند.
- در پاسخ اینکه فرهنگ چه نقشی در نحوه نگاه الگوهای توسعه به منابع دارد، فرهنگ عاملی به حساب می آید که با تأثیر گذاری بر اندیشه انسان به ایجاد مطلوبیتهایی می انجامد. و این مطلوبیتهای خود را در الگوهای توسعه که انسان برای خود طراحی می کند و همچنین نوع نگاه به منابع ملی نشان می دهد.
- در خصوص اینکه چه مطلوبیتهایی را می توان برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برشمرد و چگونه می توان به آنها دست یافت، اضافه می گردد که فرهنگ ایرانی اسلامی حاوی آموزه ها و معیارهای اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی فراوانی است که با به کار بردن آنها به صورت دستورالعملهای کاربردی می توان به شاخص هایی مطلوبی برای الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی دست یافت.
- و در مورد اینکه رویکردهای صورت گرفته در برنامه های توسعه نسبت به منابع ملی با توجه به شاخص های فرهنگی برشمرده و مطلوبیتهای به دست آمده چگونه بوده است، از برخی ناهمخوانی ها میان پاره ای رویکردهای خاص نسبت به منابع، در برنامه های توسعه ای که هم اکنون در کشور در حال اجرا می باشند با فرهنگ ایرانی اسلامی موجود و مطلوبیتهای مقتضی آن نام برده می شود.

#### ث) پیشینه تحقیق:

در خصوص منابع ملی، در سازمان برنامه و بودجه سابق مطالعاتی انجام گرفته که اسناد آن قابل دسترسی است. به صورت تخصصی نیز هم اکنون کارگروه منابع ملی از کارگروههای مؤسسه اندیشه و پژوهش طرح هزاره حدود سه سال است که بر روی این موضوع مشغول به فعالیت می باشند.

این کار گروه در سیر مطالعاتی و تحقیقاتی خود به تبیین رابطه میان مسأله توسعه و منابع پرداخته است. در این راستا نخست تحول نظریه توسعه در مکاتب مختلف را بررسی کرده و مبانی مشترک آنها را مشخص می کند. سپس چستی منابع و انواع دسته بندی آن را از نگاههای مختلف بیان می کند. که این بیان در تحقیق حاضر مورد استفاده ما قرار گرفته است.

خروجی آنها از این چارچوب تحلیلی، دست یابی به الگوی ترکیب منابع ملی در توسعه می باشد. که در این خصوص هر چند ما از نتایج آنها در این تحقیق استفاده کرده، اما به دلیل تفاوت گفتمانی حاصل از تفاوت مفهومی مفاهیم "توسعه" و "پیشرفت" به صورت منطقی نتایج را گزینش کرده ایم.

اما دو کار مهم از مجموعه تحقیقات این کارگروه که ضمن به کار گیری به عنوان پایه تحلیل پژوهش پیش رو، مبانی آنها تکمیل هم گردیده است دیدگاههای پست مدرن و انتقادی در خصوص مسأله منابع می باشد. تضادهای سرمایه داری و توزیع ناعادلانه منابع، مالکیت خصوصی و زوال منابع، بحران محیطی و اتلاف منابع، بحث مصرف انبوه یا صرفه جویی از محورهای اصلی این مبحث به حساب می آید.

هرچند این کار گروه، تحقیق بر روی الگوهای پیشرفت بومی را نیز جزء اهداف خود بر شمرده اما تاکنون کار مشخصی در این خصوص انجام نگرفته است. از این رو، عملاً پژوهش حاضر با تکیه بر دو مفهوم منابع و الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (که در چارچوب الگوهای توسعه بومی جای می گیرد) به نوعی قدم نهادن در راه انجام این هدف به حساب می آید.

برای اطلاع از تحقیقات این مؤسسه و کارگروههای زیرمجموعه می توان به آدرس

الکترونیکی ذیل مراجعه نمود: <http://www.iranvision1404.com>

در مورد خود الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هم به صورت متمرکز دو نهاد "امور تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" وابسته به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری و همچنین "مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت" در حال فعالیت و پژوهش می باشند.

تا زمان انجام تحقیق حاضر، بررسی اسناد و پژوهشهای نهاد امور تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نشانگر این است که این نهاد با رویکردی نظری، تاکنون بیشتر به تحکیم مبانی اندیشه ای خود پرداخته و کمتر وارد مباحث کاربردی شده است. در خصوص شاخه مورد بحث در پژوهش حاضر یعنی موضوع منابع ملی هم کار خاصی در تحقیقات آنها به چشم نمی خورد. برای اطلاع بیشتر از دستاوردهای این مرکز می توان به آدرس الکترونیکی ذیل

مراجعه نمود: <http://www.oiiip.ir>

از میان اسناد و تحقیقات مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، مبانی نقشه راه مرکز مورد استفاده قرار گرفته اما در خصوص خود موضوع منابع در اینجا هم پژوهش بخصوصی مشاهده نگردید. برای اطلاع از موضوعات، پژوهش‌ها و کنفرانسهای مرکز می‌توان به آدرس الکترونیکی ذیل مراجعه نمود: [www.olgou.ir](http://www.olgou.ir)

عناوین منابع و کتابهای دیگری که در پژوهش مورد استفاده شده در پایان ذکر گردیده است. در این پژوهش با توجه به علاقه به موضوعات فوق و همچنین مواردی که به نوعی احساس کمبود در مورد آنها وجود داشته، سعی شده که با بهره جویی از پژوهش‌های صورت گرفته در این خصوص (مخصوصاً کارهای کارگروه منابع ملی مؤسسه اندیشه و پژوهش طرح هزاره) به تکمیل مباحث فوق و اضاف نمودن نقطه نظرات جدید بپردازیم.

### ج) تعریف عملیاتی متغیرها:

**منابع ملی:** مجموعه ورودی‌های پایه مادی و غیر مادی در دسترس یک دولت - ملت که پردازش آنها در نظام‌های تولیدی، خدماتی و فکری در سطح ملی ارزش آفرین باشند و با مدیریت و بهره برداری می‌توانند ارتقاء سطح توسعه ملی را فراهم آورند.

**الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:** نوعی الگوی بومی توسعه که به منظور پیشرفت جامعه ایران اسلامی به سمت آرمانهای مدنظر در حال تکوین می‌باشند. و در این الگو ضمن اینکه برخی از وجوه مشترک و عام میان دیگر الگوهای توسعه پذیرفته می‌شود اما همزمان با دیدی انتقادی نسبت به برخی اصول و وجوه آنها در پی بهره‌گیری از اصول اسلامی و ایرانی در مدل و الگوی توسعه مدنظر می‌باشد.

### چ) طرح تحقیق:

اساس پژوهش حاضر بر مبنای فرهنگ و هنجار است. و مبنای فرضیات ما در این تحقیق هم بر همین اصل قرار می‌گیرد.

در زمینه روش و معرفت‌شناسی، مفروضات و ساختار معنایی ما مبتنی بر این باور است که فهم، توصیف و سپس تحلیل و در نهایت ارائه هر گونه الگوی پیشرفت و توسعه بایست با در نظر گرفتن مقوله فرهنگ و هنجار باشد و از این مدخل است که به سوی الگوی پیشرفت بومی رهنمود می‌شویم.

در واقع فرضیه اصلی ما در این تحقیق این است که فرهنگ مطلوبیت آفرین است. و با توجه به ارتباطی که میان نگرش انسان به حیات و جهان با فرهنگی که او در آن رشد کرده وجود



دارد پس می توان بنا به هر فرهنگی که انسانها را احاطه کرده است احتمال داد که نگرش های متفاوتی نسبت به محیط و مطلوبیتهای متنوعی وجود داشته باشد. پس با توجه به تنوعی که در مطلوبیتهای وجود دارد می توان انتظار داشت انسانها در جوامع مختلف و با فرهنگهای متنوع برای رسیدن به مطلوبیتهای و اهداف خود، روشهای مقتضی را برگزینند که ضمن داشتن شباهتهایی اما لزوماً همانند هم نباشند. و از این رو ضمن در نظر گرفتن نقدهای ماهوی که به الگوهای تجویزی توسعه غربی وجود دارد، مضافاً فراگیر بودن این الگوها هم زیر سؤال می رود.

مراحل مختلف این تحقیق هم در پی رسیدن به این مطلب است که در جامعه ما به عنوان یک جامعه ای که در فرهنگ اسلامی - ایرانی احاطه شده، ضمن پذیرفتن تأثیر پذیری از فرهنگ مدرنیته، اما باید اساس الگو و مدل پیشرفت آن مبتنی بر همین فرهنگ بومی باشد که در آن نگرش انسان بومی نسبت به حیات، زندگی و جهان دخیل شده باشد. در این تحقیق چون قلمرو بحث، محدود به مقوله منابع ملی می باشد و سعی بر این است که در مختصات الگوی مد نظر، به مشخص کردن جایگاه منابع ملی بپردازیم، پس با همین مبنای نگرشی "فرهنگ محور" وارد شده و به نقد و بررسی الگوهای تجویزی کنونی و الگوی بومی مد نظر با در نظر داشتن بحث منابع ملی بپردازیم.

### ح) نحوه استخراج داده ها:

داده های ما در این تحقیق عبارت از یک سری منابع کتابخانه ای، برخی سایتهای معتبر و خبرگزاری های رسمی می باشد. البته مهمترین منبع مورد استفاده برای ایده پردازی و همچنین تحلیل داده ها به کار رفته، صورت جلسات شماره ۱ تا ۵۶ کارگروه منابع ملی مؤسسه اندیشه و پژوهش طرح هزاره بود که محقق را در این کار بسیار یاری رساند.

## فصل دوم: مبانی نظری تحقیق

## بخش اول: منابع ملی

در این قسمت ما به دنبال چند هدف هستیم. در واقع مراد از مفهوم سازی و رویکردی که دنبال می شود چند چیز است.

یک: بیان چارچوب کنونی که از منابع وجود دارد و سعی در تحلیل و بررسی آنها در دیدگاههای کنونی توسعه و الگوی احتمالی بومی اسلامی ایرانی، که در واقع خروجی آن به نوعی مفهوم سازی منابع در قالب الگوی بومی خواهد انجامید. عملاً این رویکرد بیشتر به صورت انتقادی به نتایجی منتهی می شود.

دو: در این قسمت سعی می شود مفاهیمی که در دین، آیین، فرهنگ و تاریخ ما وجود دارد و چه به صورت بالقوه و چه به صورت بالفعل ظرفیت منبع بودگی را دارند شناسایی شده و سعی شود که در مدل ها و الگوهای پیشرفت آنها را هم در نظر آورد. برای مثال می توان مفاهیمی همچون شهادت، برادری و ... که توانایی و کاربرد زیادی در انسجام اجتماعی و ایفای نقش به عنوان محرک های اجتماعی دارند را مثال زد.

منابع ملی از سوی دیوسالار این گونه تعریف می شود:

«منابع ملی عبارتند از مجموعه ورودی‌های پایه مادی و غیرمادی در دسترس یک دولت - ملت که پردازش آنها در نظام‌های تولیدی، خدماتی و فکری در سطح ملی ارزش‌آفرین باشند و با مدیریت و بهره‌برداری می‌توانند زمینه ارتقای سطح توسعه ملی را فراهم آورند» (۱۳۹۲). دست‌کم چهار عنصر اصلی: "ابزار"، "فرآیند"، "هدف" و "قیود" در تعریف مورد نظر و تعاریف دیگر از این دست مطرح شده‌اند و بنابراین مجموعه‌ای از مفاهیم اصلی در ذیل این عناصر دسته‌بندی می‌شوند که هم‌نشینی آنها در کنار یکدیگر سازنده تعریف نهایی منابع ملی است (همان).

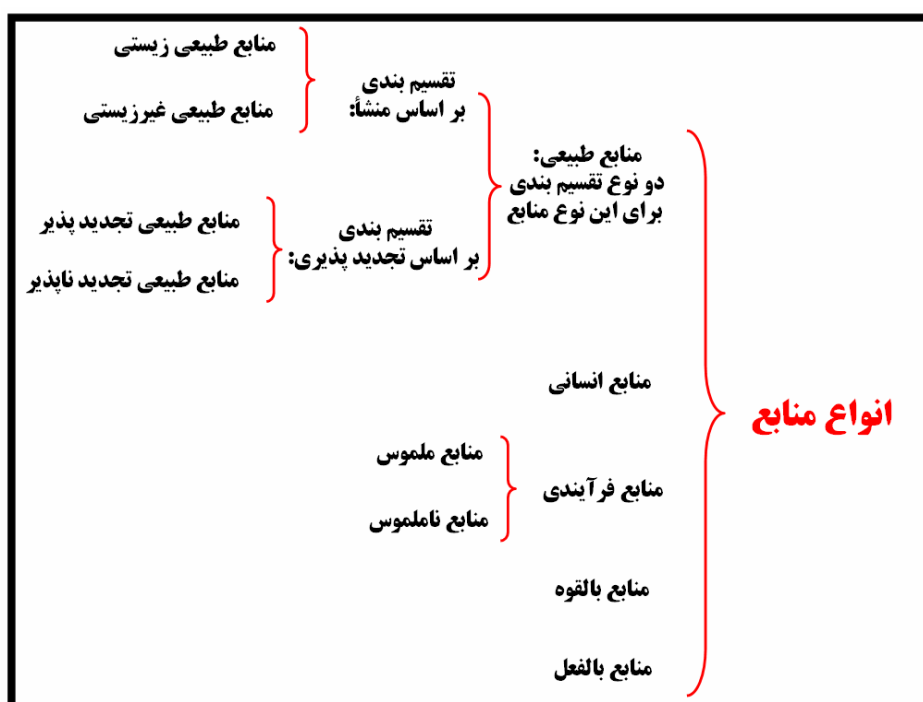
مراد از صفت "ملی" در تعریف منابع ملی عبارتست از: "قلمرو یا کشوری که به عنوان یک موجودیت سیاسی [شناخته می‌شود] یا گروهی از مردمان که در تاریخ واقعی یا اساطیری، فرهنگ، زبان یا منشاء نژادی با یکدیگر شریک هستند و غالباً نیز در پی برپایی حکومت خاص خود می‌باشند" (دیوسالار، ۱۳۹۱).

منابع، صرفاً به منابع اقتصادی محدود نمی‌شوند بلکه حداقل چهار گروه اصلی شامل منابع ارزشی و فرهنگی، منابع دانش و اطلاعات، منابع قدرت، و منابع ثروت قابل شناسایی بوده و منابع ملی دربرگیرنده ترکیبی از تمامی این عناصر است. بدین ترتیب هنگامی که از نقش

کلیدی و بنیادی منابع به‌عنوان پیشران توسعه سخن می‌رود منظور ترکیبی از منابع مذکور است (دیوسالار و ثانی جوشقانی، ۱۳۹۲). البته در قسمت بعدی منابع و انواع دسته بندی موجود از آنها را کامل تر و واضح تر توضیح می‌دهیم.

### دسته بندی انواع منابع ملی

دسته بندی های مختلفی از انواع منابع وجود داشته که با توجه به فراگیر بودن تعریف داعی نژاد، در تصویر زیر به بیان این دسته بندی می‌پردازیم:



که تعریف هر کدام از این منابع عبارتند از:

#### منابع طبیعی

مشمول بر منابعی است که از محیط زیست سرچشمه می‌گیرند. بسیاری از این منابع برای ادامه بقای ما حیاتی هستند در حالی که برخی دیگر تنها برای برآوردن خواسته های روزمره ما مورد استفاده قرار می‌گیرند. در یک تقسیم بندی بر اساس منشأ شکل گیری، این نوع منابع به دو دسته منابع طبیعی زیستی و منابع طبیعی غیر زیستی تقسیم می‌شوند. منابع طبیعی زیستی مشتمل بر آن دسته از منابعی هستند که از زیست کره بدست می‌آیند. مهمترین این گروه از منابع طبیعی، عبارت از جنگلها و محصولات آنها، جانوران، پرندگان و تولیدات آنها، ماهی ها و دیگر اندامواره ها و ارگانيسم های آبی هستند. همچنین